

هر جائی باید اول سال برود و حالاً که (۹) ماه است از سال میگذرد البته فرستادن يك پيشكار هيچ فايده ندارد و از بنده در خارج هم سؤال کرده اند گفته ام نخواهم فرستاد ولی از برای آتیه در اول سال يك آدم صحيحی خواهم فرستاد که در اول سال آنجا حاضر باشد اما کاری هم که امسال می توانیم بکنیم اینست که يك ترتيب تفتيش می توانیم فراهم بیاوریم و اسبابش هم در دست است که معلوم میشود چقدر گرفته شده و کی گرفته است اما در باب سواحل ایران این تقریباً سیصد فرسخ طول دارد و در هر نقطه اش ممکن است همه چیز بیاده کنند حالاً دولت ما باید در تمام این سواحل خشکی آدم گذاشته باشد که کسی نتواند چیزی وارد بکند یا در آب استعداد قابل داشته باشد که از راه آب مانع باشد که این قاچاق عبور نکند حالاً تا يك اندازه چند جهاز کوچکی در دریا هست و مقداری هم سوار در خشکی هستند که تا يك اندازه جلو گیری از این کارها میکنند ولی نه آن شکلی که واقعاً دیگر احدی نتواند چیزی وارد کند یا بگذارند بآن شکل تا بحال میسر نشده است و در آن شبهه نیست که در بعضی بنادر که واقعاً بندریت دارد که قابل تأسیس يك اداره کمر کی بوده است و تا امروز اداره کمر کی در آنجاها تأسیس نشده است گمان میکنم بملاحظه صرفه جوئی بوده است که عایداتش بقدر مخارج آنجاها نبوده است حالاً در این باب بنده با مدیر کمر کات مذاکره میکنم اگر مقتضی شد و ممکن شد اقدامی بشود البته شروع خواهد شد اما در خصوص حویزه سابقاً نوشته بودند با آنها در مذاکره هستیم که تأسیس يك کمر کی بشود .

بهبخت - جوابهای مسائلی را که وزیر مالیه فرمودند غیر از آنچه راجع به مالیات عربستان است میگذریم ولی آنچه راجع به مالیات عربستان فرمودند گویا غیر از بنده هم هیچ يك از نمایندگان که متوجه عرایض بنده شده اند قانع نشده باشند عرض کردم این مالیات عربستان که حالاً نه ماه است از سال گذشته است اگر يك امین مالیه در آنجا باشد خیلی مفید است بجهة اینکه هیچ شخص رسمی در مقابل اهالی نیست که بدانند که آن مالیات بدولت میرسد یا نه چون خیلی عمل مالیه آنجا درهم است و حالاً که سه ماه با آخر سال باقی مانده است اگر اقدام بفرمایند در فرستادن يك مأمور از برای مالیه قطعاً يكماه به اول حمل مانده میرسد با آنچه حساب سال گذشته را میرسد هم برای اول سال حاضر است و میتواند بقراری از برای سال آتیه بدهد باینجهت استدعا میکنم که از امروز يك مأمور صحيحی بجهة مالیه آنجا فرستند و اقدام در اصلاح امور مالیه آنجا بنمایند اگر از حالاً بروم از سال گذشته يك استحضاری حاصل میکنند هم ترقیبی از برای سال آتیه می دهد پس اگر امروز باید اقدام در فرستادن امین مالیه بفرمایند از حالاً فرستند منتهی این است که يكماه قبل از حمل وارد خواهد شد .

وزیر مالیه - این را بنده هیچ حرف ندارم و اگر از امروز او میفرستاد بود هیچ عیبی ندارد ولی بشرط اینکه حکومت آنجا نگوید که شما يك مأموری امسال فرستادید برای اخذ مالیات آن مالیات

را بگیرد فرستادن مأمور مفید است در صورتی که حکومت مسئولیت مالیات را بعهده بگیرد و اگر امین مالیه هم تفتیشاتی کرده باید حکومت مساعدت کند که در اینجا مالیات مانده است بگیرند و رد کنند - بنده راجع بعمل استقراضی که بکروز در اینجا عنوان شد همچنین در باب ثابت کردن قرض جاری یا راهی مطالب دارم که آن باید در يك کمیسیون مذاکره و راپورت آن بمجلس بیاید حالاً بهر کمیسیونی که رجوع میکنند یا کمیسیون پروگرام یا کمیسیون قوانین مالیه رجوع شود تا بآن مطالب رسیدگی کرده نتیجه را اطلاع بدهند .

رئیس - خود شما بهر کمیسیونی که ترجیح میدهید بفرمائید .

وزیر مالیه - کمیسیون قوانین مالیه باشد .
متین السلطنه - بنده يك سئوالی دارم از آقای وزیر مالیه چون خیلی مختصر است اجازه بفرمائید از همین جا عرض کنم شنیده میشود که يك مبالغ جزئی از این وجه را که میخواهند قرض نمایند گرفته اند و گویا در صورتیکه آن قرض از مجلس نگذشته باشد صحیح نباشد که مبلغی از آن گرفته شده باشد اگر بعنوان دیگری گرفته اند خوب است در اینجا تکذیب بفرمایند که از بابت آن قرض گرفته نشده و بفرمایند که از چه بابت گرفته شده .

وزیر مالیه - يك مبلغی بعنوان قرض جاری از بانك شاهنشاهی گرفته شده است که اگر این قرض سر گرفت از این بابت حساب کنند و الا از عایدات دولت بدهند .

متین السلطنه - ممکن است بفرمایند که وجهی که گرفته شده است بچقدر است .

وزیر مالیه - صد هزار تومان است .

دکتر رضاخان - مشهور است از روزی که مالیات قیان متروک شده مثقالی سه شاهی از تریاک گرفته میشود در صورتیکه از مجلس نگذشته چطور می گیرند .

وزیر مالیه - بنده اطلاعی ندارم .

رئیس - دستور جلسه آتیه روز شنبه رأی در پیشنهاد های راجع با اصلاحات قانون انتخابات رأی در پیشنهاد ارسال لوائج تشکر بنجف اشرف - راپورت کمیسیون داخله در منسح احتکار - راپورت کمیسیون پست و تلگراف در باب کثرت مسیومولتر راپورت کمیسیون بودجه در باب توقیف وجوه احتساب که ببلدیه داده میشود - راپورت کمیسیون بودجه در باب تسعیر غله اصفهان .

ارباب کیمخسرو - مدتی است که می بایست سه نفع عرض کسر نمایندگان انتخاب شود خوب است جزو دستور جلسه آتیه شود .
رئیس - در جلسه آتیه جزو دستور میکنیم .
یکساعت از شب گذشته رئیس حرکت کرد بمجلس ختم شد .

جلسه ۱۸۹۹
صورت مذاکرات روز شنبه ۱۴ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۸
مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد صورت جلسه روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

(فا: بین جلسه قبل):

ممتاز الدوله . آقا میرزا اسدالله خان . دهخدا . سپهبد اعظم . سردار اسعد . بدون اجازه مشیر الدوله و حیدر الملک . آقا سید محمد رضا . نجات . شیپانی . طباطبائی . آقا سید حسین اردبیلی . حاج آقا . آقا شیخ علی شیرازی . مرتضی قلیخان بختیاری . دکتر امیرخان . رکن الممالک در وقت مقرر حاضر نشده آقای حاجی میرزا زین العابدین و حاجی محمد کریمخان قشقایی مریض بودند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

دکتر امیرخان - بنده روز پنجشنبه زود آمده بودم و بنمایند اداره مباشرت هم اطلاع داده بودم و اسم بنده را هم نوشت با این وصف باز جزء دیر آمدگان نوشته اند .

شیپانی - سئوال بنده از وزیر مالیه این بود که پنج هزار خردار جورا خرواری پنج تومان تسعیر کرده اند در صورتی که در آن موقع خرواری نه تومان بوده است اینجا گویا اشتباه شده است در صورت مجلس

بهبخت - بنده در آن سئوالی که از وزیر مالیه کرده بودم عرض نکردم که دوپست و پنججاه هزار تومان را مأمور مالیه می گیرد عرض کردم میگیرند نمی دانم آیا کی میگیرد معلوم نیست باید تحقیق بفرمائید که امروزه مالیات عربستان را بچه عنوان یعنی کی میگیرد حکومت میگیرد یا از طرف مالیه می گیرند بعد از این تحقیقات آنوقت معلوم خواهد شد عبارت اینجا همچو میرساند که مأمورین مالیه یا حکومت می گیرند و مقصود بنده این نبود بلکه عرض کردم بعنوان مالیات میگیرند معلوم نیست کی می گیرد .

حاج شیخعلی - همه نمایندگان ملتفتند و وظیفه شان اینست که موافق قانون اساسی که قسم خورده اند و بنده هم قسم خورده ام حقوق دولت و ملت هر دورا رعایت می نمایم در جلسه گذشته آقای متین السلطنه در آخر مجلس از وزیر مالیه سئوالی در باب اخذ يك مقداری از این قرض نمودند وزیر مالیه تکذیب نفرمودند و فرمودند گرفته شده است بعنوان قرض جاریه و بنده این را مخالف قانون اساسی می دانم و میخواهم اینجا نوشته است که « استقراض دولتی » بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد .

بنده عرض میکنم این ماده قانون اساسی باقرار خود وزیر مالیه که فرمودند صد هزار تومان بعنوان قرض جاری گرفته شده است نقض شده است بنده اینجا فریاد میکنم که چه قرض جاری چه غیر جاری چه داخلی چه خارجی چه کم چه زیاد بعد از این که بتصویب شورای ملی نباشد اگر دیناری قرض بکنند ملت ذمه دار آن نخواهد بود .

وزیر مالیه - در این موقع گویا يك اشتباهی بجهة حاجی شیخعلی شده است یعنی خیلی اشتباه شده است وجوه عایدی دولت يك وقتی در آن موقع که باید برسد نمیرسد و يك کاری لنگ می

که انبار کنند و این یا باید در تمام نقاط مملکت اجرا شود یا در یک نقطه این مملکت خوب است آقای حاجی آقا بفرمایند که چه جور قانونی در منع احتکار وضع کنیم والا مقتضیات وقت همین است که نوشته شود و اجرا شود همین هم خیلی فایده دارد

حاجی شیخ اسدالله - تقریباً معنی احتکار را که در یک وقتی جنس را بقیمت نازل بفروشند و در یک جای انبار کنند و در وقت تنگی بقیمت گران بفروشند پس احتکار چه چیز است این را نمی توان در اینجا محل مذاکره قرارداد و در این باب رای گرفت بجهت اینکه همین طور که آقای حاجی آقا فرمودند این خودش یک نوع تجویز احتکاری است می نمایند هر کس می خواهد گندم بفرد در وقت تنگی تغییر پیدا میکند و اسباب این میشود که فله سخت بشود هر طور که که داش می خواهد بفروشد این خودش یک قانونی است که بدست مردم میدهد و تجویز احتکاری می کنیم این قانون منع احتکار نیست عرض کردم باید آن را کنار گذاشت و یک طوری نوشت که قانون منع احتکار باشد .

وکیل التجار - باید ملتفت بود که یک نکته مهمتری اینجا هست و آن این است که اساس این را واگذار کرده اند بحسب بلدی و حکومت که هر وقت حس کردند آنوقت برونند یک انباری را به شکافتن من نمی دانم حس کردن بلدی یا حکومت چطور اساس یک قانونی میشود یک جمعیتی بکوتی گندم انبار می کردند و حالا اختیارش را فقط می دهند بدست بلدی یا حکومت در شهرهای دیگر هم که بلدی ندارد تمام این زحمت ها برای این است که حکومتها کمک میکنند در احتکار و ما هنوز گمان نمیکنیم باین زودبها بتوانیم یک حکومتی داشته باشیم که اختیار را بدست ایشان که هر وقت حس کردند برونند انبار مردم را بشکافتند بنده این را فطرت می دانم و تصویب نمیکنم و همینطور که گفته شد تصور نمیکنم که این فایده داشته باشد فیر از این که یک ترتیب دیگری داده شود آن ترتیب دیگری باید نوشته شود یعنی دو سه نفر باید بنشینند و یک ترتیب صحیحی بنویسند و بنده بکلی رد می کنم این پیشنهاد را فایده در آن نمی بینم .

حاج شیخعلی خراسانی - باز آقایان نقطه نظرشان همین نقطه تهران است و تمام مملکت ایران نیست یک مرتبه این است که کسی جنس میخرد و انبار می کند یک مرتبه هم این است که آن جنس از خودش است عنوان احتکار بر همه چه شخصی صدق نمی کند عنوان احتکار بر شخصی صدق می کند که جنس را بفرد

حاج شیخ الرئیس - فرق نمیکنند **حاجی شیخعلی** - هر دو هم باشد عنوان می کنند که جنس را بجهت بذر میخواهم یا بجهت مصرف شخصی خودمان می خواهم این عنوان احتکار نیست مافقط این قانونی را که می خواهم وضع کنیم بجهت این است که فلهها بیکه انبار میشود در موقع تنگی

بشود استخراج کرد و فروخت فیر از این مقصودی نداریم اگر بنا بگذاریم منع کنیم که هیچکس هیچ وجه غله در خانه خودش نگذارد نمیشود در یک جایی که خریداری ندارد آنجا بکنیم مانبا باید فکری این را بکنیم که یک قانونی را که می خواهیم وضع کنیم در یک جای مملکت اجرا بشود و در یک جای دیگر اجرا نشود بنده با اعتقاد این مذاکرات فایده ندارد

هشتم روستی - بنده اعتقاد این است که مجلس حالا در این باب مذاکره نکند بر گردد به کمیسیون و اشخاصی که از خصوصیات شرح اطلاع دارند برونند در آن کمیسیون و با دقت یک قانونی خواهند نوشت خیلی خوب و اینجا ابتدا آنچه شرح معین کرده است مانفت نشده اند که یعنی چه و ابتدا این هیچ قابل گفتگو نیست بنده اعتقاد این است که مجلس این را رد نکند تا اینکه برود بکمیسیون و یک چند نفری هم که اطلاع دارند حاضر شوند و یک چیزی بنویسند و این را بنده قابل صحبت نمی دانم .

رئیس - این شور کلی است حالا آقایان نظریات کلی که در این باب دارند می فرمایند بعد باید رای بگیریم که داخل در مواد شویم . (گفته شد این فایده ندارد و باید بر گردد بکمیسیون)

رئیس - عرض کردم که فایده و مقصود شور کلی همین است که اینجا حسن و قبح این قانون گفته شود در موقعی که رای میگیریم از برای داخل شدن در مواد اگر رأیشان بر این شد که بر گردد بکمیسیون آنوقت بکمیسیون رجوع خواهد شد

حاج سید ابراهیم - اینجا می خواهم عرض کنم که آقایان ملتفت باشند که احتکار عبارت است از حبس کردن غله یا غیر غله برای گران فروختن این اتحادها نقل و معقول نیست که مشکل باشد مقصود از قانون نوشتن اجرا شدن است پس وقتی که می خواهیم قانون را بنویسیم اول باید ملاحظه امکان اجرائش را کرد آنوقت قانون نوشت مقصود از منع احتکار آن بوده است که جنس حبس نشود یعنی که مردمی که میخواهند فله راجع کنند و بین مردم کم بشود آنوقت باین واسطه گران شود گران ببرد و بفروشند این ممنوع شود والا فقط جنس را در خانه نگاه داشتن با اینکه هیچکس هم محتاج بآن نباشد این هیچ ضرری ندارد بنده پنجاه هزار من یا پنجاه هزار خروار جنس در خانه نگاه می دارم هیچ عیب هم ندارد پس باید جلوگیری کرد که جنس در یک جا حبس نشود که اسباب گرانی بشود این است عیب احتکار اما اجرائش را ملاحظه بفرمائید آمدیم در قانون نوشتیم که هر کس در خانه خودش گندم را ذخیره کرده از هر خرواری پنج قران یا یک تومان گرفته شود می دانید که حال امروزه مملکت اقتضای آنی کند که اسم جمع جدیدی را اظهار کرد ولو از موش هم خیلی شدیدی اینک اسباب خرابی بدست همین انبار دارها است چنانچه جنس را انبار می کنند که مردم بصدا درآیند و همین جهت تخریب بکنند مردم را بر اغتشاش که این خرواری پنج قران از آنها گرفته نشود و دیگر اینکه مأمورین

این کار که برونند جنس را بکشند و ببینند چقدر جنس است در خانه مردم برونند محظوراتی برای حکومت محل خواهد بود که اجرای او را مینمایند زیرا لایدر را باید بشکنند قفل را باز کنند بگویند این اطاق هم هست در آن اطاق هم هست خود این اسباب اغتشاش است و علاوه بر این باید ملاحظه نمود که این قانون باید در تمام نقاط ایران اجرا شود یا در خارج اگر مقصود مرکز است که ممکن است آنوقت اشخاصی که در تهران هستند و لامکان در بیرون است جنس را آنجا انبار کنند شما که این قانون را تعمیم نمیدیدید بگویند هر کس در مرکز جنس انبار کرده باید پنجاه روز بدهد و این اسباب این میشود که جنس را بشهر نیاورند و غالباً گرانی جنس نیاورند جنس میشود و اگر بفرمائید که تعمیم میدهم با طرف پس شما باید در اطراف یک اداره ای را مرتب کنید که این قانون اجرا شود و اسباب اذیت مردم نباشد و گمان میکنم اگر بخواهیم اجرائش کنیم زیر داخله و معاوش حاضر بودند می گفتند یک چنین اسبابی که باعث صادر نیامدن مردم در اطراف نباشد نداریم پس بهترین است که اگر بخواهیم مثل امروز صدا از مردم در نیاید یک اساسی یک ماده قانونی بنویسیم که جلوگیری بشود از حبس جنس و گران شدن ملاحظه کردیم دیدیم مقتضیات زمان همیشه این بوده است که جنس را نگاهدارند تا گران شود و بفروشند دیدیم در شرح اسلامی در وقتی که این جنس احتکار شود که قوت عمومی در احتکار بماند میگویند «عام مجامع» قانون شرعی است و عبارت مرفوعه است در کتب فقها کدر آنجا مجبورند انبار را بشکافتند و جنس را بقیمت عادلانه بفروشند یک نکته مسئله را که قیمت عادلانه است عرض میکنم که یک اشتباهی شده است که گفته شد قیمت عادلانه همان قیمت آن روزی است که خرید و فروش می شود این اشتباه است معنی این است که فرض بفرمائید جنس را خریدند یکمن بیکمن خرواری ده تومان بواسطه ای جنس رسید بفرورای بیست تومان قیمت عادلانه اش بیست تومان نیست همان ده تومان است آن گرانی که بواسطه این جنس آمده است ربطی بترخ عادلانه ندارد پس مراد از قیمت عادلانه بنده اینطور فهمیده ام بنده ایراد بلفظ ندارم و آنچه وزارت داخله در حکومت محل می گفتند که ما می توانیم جلوگیری نماییم که جنس در اطراف نماند و حمل بشهر بشود و جلوگیری از این مطلب بشود همین است که صورت این جنسهای در محل راداشته باشیم که در هر محل در موقع ضرورت ما اخطار کنیم که آن جنس را بفروشند و اسباب این بشود که سختی بر طرف شود و در صورت عدم تمکین بحکم و اجازه شرعی این انبار را باز کنیم و فروخته شود و قیمتش را بصاحبش رد کنیم و بیش از آنچه اسلام مجازات قرار داده است بنظر ما رسیده است و نمیتوانیم قرار بدیم حالا که مجلس مجازاتی فوق این بنظرش میرسد بفرمائید بنظر ما بیش از این نرسیده است اما طرح را به همین طریق که پیشنهاد شده است بهتر بنظر نرسید برای اینکه در تمام عالم نگاه داشتن جنس آزاد است همه میتوانند در خانه خودشان جنس نگاهدارند نباید گفت در اول امر حبس نشود مگر در موقع مجامع که ترتیبات دیگری دارد ابتدا نباید گفت که تو ابتدا

جنس انبار نکن همچنین نباید قیمت را محدود کرد پس باید آزاد باشد ولی اسبابی فراهم آورد که جنس در محل باشد و قیمت هم آزاد باشد حکومت هم اجازه و حق دارد و بحسب حکم شرع هم همینطور است که آن جنس را بیرون بیاورند و بفروشند تا اینکه تنگی و مجامع بر طرف شود بیش از این مجازاتی بنظر من نمی رسد حالا اگر مجلس چیز دیگر بنظرش می رسد بگویند .

حاج آقا - بنده عرض کردم این لایحه بر گردد بکمیسیون والا هم عرض می کنم که آن فوایدی که اعضاء کمیسیون داخله در نظر گرفته اند هیچ بر این لایحه تصور می کنم مترتب نشود و علاوه بر این که فایده برای این لایحه مترتب نخواهد شد یک اسباب اشکالاتی هم فراهم باید ما اگر از مجرای طبیعی خودش می خواستیم وارد شویم بجهت آسایش عموم خلق در رجائی در مقام توسعه ارزاق باید ابتدا این را تکلیف مختصه بلدی بدانیم و هیچ ترتیب دیگری داخل این مطلب نشویم و بلدی باید توسعه ارزاق این شهر را فراهم بیاورد و قبل از وقت بواسطه سر - شماری که کرده می داند چقدر قوت لازم دارند از گندم و برنج و سایر چیزها تمام اینها را تهیه نماید این یک طریقی است که باید معمول شود در مملکت و بدیقتناهی حال که بنده است بلکه بدتر اسباب گرانی و تعطیلی می شوند و خودشان شریک دزد هستند اما این ربطی با اساس ندارد ما بعد از آنکه دیدیم ترتیب بلدی ترتیبی نیست که بقوانند جلوگیری کند از مجامع و انبار داری بعضی از آقایان بغیال افتادند که یک مجازاتی برای کسانی که حبس می کنند ارزاق را قرار بدهند که آن مجازات سبب بشود که اجناس حبس نشود وقتی که حبس نکردند بالظبیعه فراوان می شود و اسباب آسایش عمومی می شود این اساس نظر صاحب طرح بود حالا اگر کسی نظری داشته باشد در آن طرح بدیهی است باید موادش را جرح و تعدیل کند و اعضاء کمیسیون هم نظریات خودشان را ضمیمه نموده بعد به مجلس بیاید ولی اساس را بکلی نباید بهم زد بطوری که اصل مقصود صاحب طرح از میان برود آقایان می فرمایند نقطه نظر این است که توسعه بر مردم باشد بدیهی است که توسعه بر مردم لازم است ولی آیا بترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است اسباب رفاه عمومی فراهم می شود آیا بعد از این جلوگیری از انبارداری می شود آیا آن کسی که این را پیشنهاد کرده است این مطلب را که هر کس گندم دارد بحکومت محل اطلاع بدهد که هر گاه سختی و مجامع بشود انبار را بشکافتند و گندم را بیاورند این مطلب را آن کسی که بحکومت خبر می دهد ملتفت نیست آیا آن کسی که انبارداری می کند نمی داند که گندم را بیاورد و بفروشد مردم در تنگی و شدت بیفتند و این جنس را بقیمت گران بفروشند ملاحظه این را نخواهد کرد اگر بیاید بحکومت خبر بدهد آن غرضش بدست نمی آید و این نقض فرض است و برای تحصیل غرض خودش بیش بندی خواهد کرد و اینها همه موانع است و بدیهی است آن کسی که گندم را حبس می کند برای این است که گران بشود گران بفروشد و در صورتی که بنویسیم

که باید بحکومت خبر بدهد و اگر گران شد قهراً می آید در بازار می کنند و گندم را می برند یقیناً بهتر ترتیبی باشد خبر نمی دهند و نمی گذارد که حکومت آن جنس را بیاورد و اسباب سختی و تنگی برای مردم بیچاره فراهم خواهد آورد همانطور که عرض کردم ما باید قانونی برای منع احتکار بنویسیم نه منع انبار آن طوری که آقای شیخعلی فرمودند البته گندم محل می خواهد مقدار سایر اجسام ولی باید فنانون برای منع احتکار نوشت و ملاحظه سرعت و تسهیل جریانش را کرد هر وقت ما توانستیم قانون برای احتکار بنویسیم و اسباب اجرائی آنرا فراهم بیاوریم و مجازات برای مجتکرین قرار بدیم آنوقت می نویسیم والا این را ابتدا نباید به مجلس آورد و نباید مذاکره کرد و اسباب رفاه عمومی را باید بوزارت داخله و حکومت محل واگذار کرد که هر طوریکه خودش می داند اسباب رفاه مردم را فراهم بیاورد و ابتدا ملاحظه انباردارها را نکند و الا بنده عرض میکنم امروز کمیسیون داخله ملاحظه صاحب ملک را بکنند و بگویند آنها آزادند هر طور خواهند بفروشند و انبار کنند و هیچ مجازاتی برای آنها معین نکنند در حالی که عموم ملت و کسانی که بیچاره هستند و تمام شبانه روز خودشان را صرف میکنند برای همان نان شبانه روزی یعنی اغلب ملت طرفند با انباردارها پس در یک همچو موردی دیگر طرفداری از صاحب ملت چرا میکنند خوب است این را مسکوت عنه بگذارند و منتظر باشند تا وقتی که اسباب جریان و اجرائی آن را فراهم کنند آنوقت این قانون را بگذارند و الا بنده هیچ تصویب نمیکنم و یک همچو قانونی نباید از مجلس بگذرد که هیچ فایده بر آن مترتب نباشد .

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بنده در اصل این پیشنهاد حرف دارم که این چرا باید به مجلس بیاید بواسطه اینکه آنطرحی را که آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده بودند مستلزم وضع یک مالیات جدیدی بود و قانوناً باید به مجلس بیاید اما این ترتیبی که آمده است فقط یک نظامنامه داخلی است ما بین بلدی و حکومت و تصور نمیکنم که مجلس شورای ملی باید در نظامنامه داخلی حکومت و بلدی بگفتگو کنند قانون بلدی را باید مجلس وضع کند ولی بعد از اینکه مرتب شد نظامنامه جزئی را که نباید مجلس وضع کند مثل اینکه قانون نظمی را مجلس وضع میکند بعد از اینکه نظمی تشکیل شد دیگر نظامنامه داخلی او را خودش باید فراهم بکند مثل اینکه شب ساعت سه و نیم بشویر بکشند یا ساعت چهار و اگر رجوع شود اسباب خنده خواهد بود عرض میکنم برای احتکار اگر یک قانون محکم بگذاریم من نمیدانم که وضع قانون احتکار که آقای حاجی آقا میگویند چه چیز است قانون منع احتکار که شرعاً وضع شده است دیگر چه قانونی وضع کنیم اگر همان قانون را معین کنیم که آن معین است مجازاتش هم معین است نهایت بعضی جزئیات دارد که بنظر حاکم است و حکومت هم در هر محلی میتواند بنظر حکومت فرض است و برای تحصیل غرض خودش بیش بندی خواهد کرد و اینها همه موانع است و بدیهی است آن کسی که گندم را حبس می کند برای این است که گران بشود گران بفروشد و در صورتی که بنویسیم

مالیات است که ما اینجا قبول یازد بکنیم و نه اینکه راجع بکلیات مملکتی که در آن جای مذاکره باشد بنده مذاکره در این قانون را زائد و غلط میدانم و رد میکنم پیشنهاد آقای ماماد الملک قرائت شد

« بنده پیشنهاد میکنم که راپورت کمیسیون داخله راجع باحتکار غله بکمیسیون داخله اعاده شود که با حضور وزیر داخله تجدید نظری شده عقاید خود را ثانیاً به مجلس شورای ملی تقدیم دارند . »

محمد هاشم میرزا - اما در خصوص این پیشنهاد همینطور هم شده بجهت اینکه در کمیسیون داخله با حضور وزیر داخله مذاکره شد و این نتیجه همان مذاکرات است و اما بفرمایشی که آقای میرزا مرتضی قلیخان فرمودند که این راجع به مجلس نیست بنده این راهیچ نفهمیدم لایحه هر قانونی که نوشته میشود باید به مجلس بیاید و در مجلس وضع شود اشخاصی که بخواهند گندم انبار کنند باید بحکومت اطلاع بدهند آنجا که در قانون وزارت معارف گفتند کسانی که موقوفه دارند بیایند وقف نامه هایشان را در وزارت اوقاف ثبت کنند اگر تعقیب بکنیم بر آنها هم این ایراد وارد است و این قبیل مطالب خیلی گذشته است و بعضی هم نیست اما این مطلبی که آقای حاجی سید ابراهیم در معنای قیمت عادلانه فرمودند بنده همچو معنایی تا بحال نشنیده بودم خوب است صحیحاً توضیح بفرمایند که این موضوع بحث کدام یک از مسائل عامیه است اما اینکه میفرمایند که اشتباهی شده است این است که این مواد قانون منع احتکار باید اسمش را گذاشت قانون منع مجتکرین که بلدی یا حکومت بداند که کسی مجتکر است یا اینکه بداند عند الضروره که کی گندم زیادی از مصرف خودش دارد در موقع لزوم زیادی گندم را بیاورد و بفروشد تا اسباب آسایش عمومی بشود و ضرری هم نه بینیم در این قانون مجتکرین اما وضع قوانین هم که گفته شد قوانین شرع کافی است و گمان ندارم محتاج وضع قانون دیگری باشد بنده موافق هستم .

کاشف - تقریباً نود سال و هفتاد سال است که ملت یعنی قزاقی ملت گرفتار ظلم مجتکرین بترتیبی که دیده میشود بوده هستند در صورتیکه محصول این مملکت چندین برابر مصرفش بوده و مجتکرین علاوه بر ظلمی که بقرا کرده اند یک جلوگیری از ترقیات این مملکت هم کرده اند و این بوده است که همیشه آن پول های خودشان را که میتوانستند صرف ترقیات مملکت و بعضی کارهای مهم بکنند با اتمام صرف ذخیره آذوقه مردم کردند و از این راه ثروت و ثمنول شده اند و بعلاوه جلوگیری از تجارت مردم کرده اند حالا میخواهیم قانونی برای جلوگیری از این ترتیبات مملکت وضع کنیم باید لااقل اگر خودمان نمیدانیم یک اندازه ملاحظه کنیم که در سایر ممالک که خیلی محصولانشان کمتر از مصرفشان است بچه ترتیب رفتار کرده اند ما هم همانطور رفتار بکنیم و مقصود عرض بنده اینست که اقراط و تفریط نباشد و این چند ماده که از کمیسیون آمده است بنده هیچ نمیفهمم و از جمله اشخاصیکه طرح آقای ادیب التجار را امضاء کرده بودند اساساً خیلی خوب میدانستم بیکمچو قانونی را منتهی در موادش قدری مذاکره میشد و آن مقصودی که ماداشتم از آن طرح ابتدا از این راپورتی که از کمیسیون داخله آمده است آن مقصود بعمل نیاید از آن جهت بنده عرض میکنم که کار باید با اقراط و تفریط نباشد همه میدانند

کدر بعضی سالها باندازه ای فراوانی جنس میشود که در انبارها میماند و از فایده می افتد و صدمه آنها بیگسگسمنی از رعیت وارد میشود یعنی بآن طایفه رنجبران که آن مقداری که جنس دارند آنرا هم ابتدا نمیتوانند بصرف فروش برسانند که ضرری بر آنها از این جهت وارد می آید پس اگر ما بنویسیم در این قانون که هر کس بخواهد گندم بیورد و جمع کند و بکسورتی بدهد و ابتدا براو تمیلاتی نباشد هیچ فایده ندارد در سایر جاهای بنده يك اندازه اطلاع دارم هر کسی که بخواهد در سال يك اندازه گندم و حبوبات را بیورد و در انبار جمع کند باید بکسورتی بدهد تقریباً گویا مخالفتی هم با ما شرع نداشته باشد گویا کواری میبدهد اگر يك سال گذشت و آن ذخیره ای که کرده بود نفروخت باید دوم تبه همان مبلغ را بدولت بدهد و همینطور اگر دوسال آن آدم بخواهد آن غله را نگاهدارد همه ساله باید يك مبلغی از آن را بدولت بدهد باین جهت است که هیچکس نمی آید غله را ذخیره کند و يك مبلغی بدولت بدهد کسانیکه این کار را می کنند برای این است که بخواهند استفاده ببرند اگر فایده نبرند ابتدا این کار را نمی کنند و هر دواتی ترتیب بنده و احوالیه آن باندازه ای منظم است که نفوس هر شهری را میدانند و همان اندازه بجهت او تحصیل ارزاق می کنند این وظیفه احتساب بالنده است اگر جنس کمتر از اندازه نفوس است از جاهای دیگر می آورند و اگر زیادتر باشد بجای های دیگر میبرند مثلاً يك جائی که ابتدا خودش زراعت نداشته باشد از هر جائی که باشد بوسائل مختلفه می آورند و ذخیره می کنند و ابتدا احتیاج ندارد و هیچوقت در هیچ جای دنیا دیده نشده است که اینقدر کدر مملکت ماهست گفتگوی نان بجهت کلیه مصادر امور باشد و آنقدر گرفتار باشند و بنده خیلی تعجب میکنم یعنی سایرین هم خیلی تعجب می کنند که چندین دفعه در مسئله نان سؤال و استبضاح شده است و این خیلی چیز مهمی است

و در خارج چیز غریبی بنظر می آید که يك مملکتی نتواند باندازه خودش يك محصولی تهیه کند در صورتیکه محصول آن مملکت چندین برابر ما بحتیاج اوست هر سال چقدر ذخیره بروسه و جاهای دیگر میورد و ما آنقدر تهیه نداشته باشیم که دفع احتیاج خودمان را کرده باشیم و خیلی تعجب است که چندین کابینه در این دوره تشکیل شده و هیچکدام با وجود آن سئوالات و استیضاحات و تکفیر نماینده اینجا آمدن آن نان را کواقفاً اسباب آساف و ویریشانی خاطر بودند و ما هیچ متأثر نشده اند و بازم می بینیم که گرفتار نان هستیم و همه روزه فریاد مردم بلند است و مردم متنفر شده اند بجهت اینکه می بینند که نان آنها اداره نشده است از این جهت عرض میکنم که از این چند ماده ابتدا فایده نخواهیم برد و خوب است رجوع شود بیک جمعیتی که يك اندازه هم اطلاعاتی از خارج دارند و آقایانیکه میتوانند شرع را بدست بیآورند يك چند ماده نوشته و بمجلس پیشنهاد کنند تا اینکه کسی نتواند يك مقدار کثیری از آن ذوقه مملکت را بیورد نگاهدارد و اگر يك مبلغی تعجیل بر او کردند مخالفتی با عقل و شرع ندارد بجهت اینکه این جلوگیری از همه جور ترقیات مردم میکند و يك ظلم فاحش است

حاج شیخعلی - بنده اصرار ندارم بر اینکه عین این قانون بگذرد یا نگذرد اما نظر حیکه آری ادیب التجار پیشنهاد کردند و از کمیسیون مبتکرات بمجلس راپورت داده شد و بکمیسیون داخله فرستاده شد در کمیسیون داخله هر چه در آن نظر شد و خود وزارت داخله هم ملاحظه اطراف آن را کردند و بنده که به چه وجه قابل اجرا نیست میفرمائید مجازاتی برای محکومین قرار بدهید شما اولاً خوب است يك نظری بمأمورین و نظمی و این ترتیب اجرائی کدر کار است بفرمائید بعد از آن این فرمایش را بکنید فرض بفرمائید که طرح آقای ادیب التجار که خیلی سخت بود از مجلس گذشت آنوقت در اطراف چه نتیجه خواهد داد نتیجه اش این خواهد شد که آن کسیکه صد خروار دویست خروار غله دارد با آن رعیت بیچاره که صدمه یا دو خروار گندم دارد، هیچ تفاوت نداشته باشد و حکومت ما را بگیرد که خرواری دوتومان باید بدهد بنده که هر چه تصور میکنم غیر از این نتیجه نخواهد داشت گویا آقایان طرح آقای ادیب التجار را هیچ نخوانده اند که نوشته بود هر خرواری ماهی پنج هزار یا يك تومان هر کس غله دارد باید بدهد یا اینکه ملاحظه اطراف کار را کرده اند یا اینکه تصور کرده اند در کمیسیون داخله ملاحظه اجرائی آن نشده است در کمیسیون داخله خیلی ملاحظه اطراف آن شد وزیر داخله اظهار می نمود که به چه وجه این قانون امروز قابل اجرا نیست این بود که باین ترتیب نوشته شد حالا بقول شاهزاده محمد هاشم میرزا این را قانون منع احتکار نگویند قانون تعیین محکومین اسمش را بگذارید هر چه هست غیر از این امروز اجراء نخواهد شد و از فراری هم که وزیر داخله اظهار می کردند که فایده هم بجهت قسمت ارزاق خواهد داشت حالا اگر آقایان میل دارند این قانون بگذرد که بگذرد و اگر بخواهند رد شود که رد بکنند هر طوری رای میدهند مختارند

پیشنهاد آقای آقا سید جلیل از قرار ذیل خوانده شد:
 « بنده پیشنهاد میکنم اصل طرح جناب ادیب التجار که در کمیسیون مبتکرات تصحیح شده مطرح مذاکره شود »

رئیس - توجه بفرمائید که اینجا سه شق پیدا میشود یکی اینکه به پیشنهادی که سابق از طرف آقای معاضد الملک شده بود رای بگیریم که این طرح بر گردد بکمیسیون داخله و دوم تبه در آن تجدید نظر شود و بمجلس پیشنهاد شود یکی اینکه بموجب این پیشنهادی که شده است و حالا خواننده شد رای بگیریم در اینکه اصل طرح آقای ادیب التجار مطرح مذاکره شود شق دیگر رای بگیریم در اینکه داخل در شق کلی این قانون بشویم و در صورتیکه بتمام این سه شق رای داده نشد بکسی این مطلب مسکوت عنه میماند تا يك مدت معینی

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم با طرح آقای ادیب التجار هم با این راپورت کمیسیون داخله هم طرح ادیب التجار یکنوع تجویزی از انحصار کرده است برای اینکه معین کرده است که هر کس همچه کاری میخواهد بکند باید يك چیزی بدهد و اینکه قانون شرع ما نیست یکی هم این است که کمیسیون پیشنهاد کرده است که آنهم

تجویز میکنند و این فرمایشاتی را که میفرمایند تصحیح این مطلب را میکنند و کلیه در این موارد مجتماً وقتی که نگاه میکنیم و ملاحظه می نماییم می بینیم که مینویسد هر کسی بخواهد گندم انبار کند چه خودش داشته باشد و چه اینکه بفرود باید بحکومت محل یا بلدی بدهد تا اینکه در موقع لزوم بقیه عبادله فروخته شود و در واقع آنچه بنده میفهمم معنی احتکار همین است که اینجا نوشته شده است پس عقیده بنده این است که هر دورا باید کنار گذاشت یعنی بر گردد بکمیسیون و يك مواد دیگری نوشته و بمجلس بیاید یعنی موادی باشد که بتوان در آن مذاکره کرد رای دادنه مثل این مواد که افلا قابل مذاکره نیست

آقا شیخ ابراهیم - بنده عرض میکنم شور در کلیات يك قانونی معنی این است که وضع کردن همچه قانونی امروزه برای این مملکت صلاح است یا صلاح نیست حالا ماده اش صحیح است یا صحیح نیست یا اینکه بطور است و باید اصلاح شود آن يك حرفی است علیحده و بعد از اینکه داخل در شور مواد شدید اصلاح بکنید الان که در کلیات مذاکره میشود باید در دو چیز گفتگو کرد یکی اینکه امروز وضع قانون منع احتکار برای این مملکت لازم است یا لازم نیست بعد از اینکه معلوم شد که صلاح است و لازم است يك قانون امروزه در خصوص منع احتکار برای این مملکت وضع شود آنوقت باید مذاکره در این کرد که این قانونی که نوشته شده است برای منع احتکار خوب است یا خوب نیست ترتیب اجرائی را داریم یا نه در اجرائی دچار اشکال خواهیم شد یا برای اینکه ممکن است وضع مملکت اقتضای وضع خیلی از قوانین را بکند ولی اسباب اجرائی موجود نباشد یا اینکه در اجرائی دچار اشکال بشویم و اینکه احتکار شرعاً حرام است علت نمیشود که برای آن قانون نوشته نشود بجهت اینکه تنها بصرام هیچکس عمل نکرده است که چون این فعل حرام است من مرتکب شوم این قانون برای جلوگیری از احتکار است که بطور باید جلوگیری کرد تشخیص این مسئله هم کار خیلی مشکلی است توضیحاً عرض میکنم که تمام آقایان ملتفت شوند مثلاً در فلان ده فلان مقدار غله است که باندازه خوراک آنجا تهیه شده است آیا باید آن مقدار را از آنجا آورد و آنجا خالی گذاشت یا امروز گندم دارم نمی فروشم فردا سه تومان است بفروشم این احتکار است یا نه باید تشخیص داد منع بکنیم یا نکنیم اولاً کسی که میخواهد منع بکند باید بداند در هر جای مملکت که غله هست مقدار آن چقدر است صاحب آن غله چقدر احتیاج دارد زیادیش چقدر است آنوقت معین بکند که در فلان انبار فلان ولایت فلان قدر غله موجود است تا این موقع که رسید بآن شخصی که در آن ولایت این غله را دارد بگوئیم آقا حالا بفروش این احتکار است نه مثلاً حالا در شمشه گندم خرواری پنج تومان است من بآن کسی که گندم دارم است بگیریم آقا گندم خود را بفروش این احتکار است نه بعکس اگر کسی گندم داشت

خواه بقیه کران هم باشد و لولایکه محل احتیاج هم شد نفروشد اگر چه هم بگیرد من احتکار نمیکند باید گفت این احتکار است پس این نکات را باید ملاحظه کرد و لولایکه در چند مجلس هم باشد باید در آنها مذاکره کرد و تمام رادرفقانون نوشت بجهت اینکه این امر خیلی مهمی است ببقیده بنده که خیلی مهم است باید در آن تأملات کرد چطور میشود در تمام ولایات از احتکار جلوگیری کرد کدام ده زیاد دارد و کدام مالک گندم دارد و چطور باید جلوگیری کرد که من بدمار غله سهل بشود و با بطور سختی چهار نشویم یا این که امروز تجار ما تجارت خودشان را گذاشته اند و مشغول باحتکار شده اند و اول غله را کران می کنند این خیلی امر مهمی است و خیلی باید در آن ملاحظه و تأمل کرد

رئیس - حالا باید رای بگیریم باز توضیح می کنم که در این جا سه شق پیدا شده است یکی اینکه همانطوری که آقای معاضد الملک پیشنهاد کرده اند این قانون را بر گردانیم به کمیسیون داخله که تجدید نظری در آن شود و بمجلس پیشنهاد شود شق دیگر اینکه مطابق پیشنهاد آقای آقا سید جلیل اصل طرح آقای ادیب التجار را مطرح مذاکره فرمائیم یکی هم این است که رای بگیریم به معین راپورت کمیسیون داخله و داخل مذاکره آن بشویم حالا که دره هیچکدام از این سه شق مجلس رای نداد این مطلب مسکوت عنه میماند برای يك مدت معینی حالا اول رای میگیریم بر پیشنهاد آقایان معاضد الملک و کاشف که این قانون را دوباره رجوع بکنیم بکمیسیون داخله - کسانی که باین پیشنهاد موافقتند قیام نمایند

وزیر مالیه - چند فقره مطالبی است که فوری است و باید در مجلس خصوصی مذاکره شود تقاضا می کنم که امروز يك جلسه خصوصی بشود برای مذاکره آن مطالب

رئیس - یکی دو فقره مطالب مختصری داریم مذاکره میکنیم و بعد جلسه خصوصی خواهد شد

کاشف - پیشنهادی که بنده کرده بودم در خصوص قانون منع احتکار چون خواننده نشد لازم است عرض کنم تنها به کمیسیون داخله اکتفا نشود و يك چند نفری از خارج از کسانی که در این خصوص بصیرت دارند خوب است دعوت کنند که باستحضار آنها آن کار اصلاح شود

رئیس - در اینکه دیگر لازم نیست رای بگیریم البته لازم شد دعوت خواهند کرد پیشنهاد آقایان معاضد الملک و نجات راجع باصلاح مواد نظامنامه انتخابات که در جلسه قبل قرائت شده بود مجدداً خوانده شد

خواه بقیه کران هم باشد و لولایکه محل احتیاج هم شد نفروشد اگر چه هم بگیرد من احتکار نمیکند باید گفت این احتکار است پس این نکات را باید ملاحظه کرد و لولایکه در چند مجلس هم باشد باید در آنها مذاکره کرد و تمام رادرفقانون نوشت بجهت اینکه این امر خیلی مهمی است ببقیده بنده که خیلی مهم است باید در آن تأملات کرد چطور میشود در تمام ولایات از احتکار جلوگیری کرد کدام ده زیاد دارد و کدام مالک گندم دارد و چطور باید جلوگیری کرد که من بدمار غله سهل بشود و با بطور سختی چهار نشویم یا این که امروز تجار ما تجارت خودشان را گذاشته اند و مشغول باحتکار شده اند و اول غله را کران می کنند این خیلی امر مهمی است و خیلی باید در آن ملاحظه و تأمل کرد

رئیس - حالا باید رای بگیریم باز توضیح می کنم که در این جا سه شق پیدا شده است یکی اینکه همانطوری که آقای معاضد الملک پیشنهاد کرده اند این قانون را بر گردانیم به کمیسیون داخله که تجدید نظری در آن شود و بمجلس پیشنهاد شود شق دیگر اینکه مطابق پیشنهاد آقای آقا سید جلیل اصل طرح آقای ادیب التجار را مطرح مذاکره فرمائیم یکی هم این است که رای بگیریم به معین راپورت کمیسیون داخله و داخل مذاکره آن بشویم حالا که دره هیچکدام از این سه شق مجلس رای نداد این مطلب مسکوت عنه میماند برای يك مدت معینی حالا اول رای میگیریم بر پیشنهاد آقایان معاضد الملک و کاشف که این قانون را دوباره رجوع بکنیم بکمیسیون داخله - کسانی که باین پیشنهاد موافقتند قیام نمایند

وزیر مالیه - چند فقره مطالبی است که فوری است و باید در مجلس خصوصی مذاکره شود تقاضا می کنم که امروز يك جلسه خصوصی بشود برای مذاکره آن مطالب

رئیس - یکی دو فقره مطالب مختصری داریم مذاکره میکنیم و بعد جلسه خصوصی خواهد شد

کاشف - پیشنهادی که بنده کرده بودم در خصوص قانون منع احتکار چون خواننده نشد لازم است عرض کنم تنها به کمیسیون داخله اکتفا نشود و يك چند نفری از خارج از کسانی که در این خصوص بصیرت دارند خوب است دعوت کنند که باستحضار آنها آن کار اصلاح شود

رئیس - در اینکه دیگر لازم نیست رای بگیریم البته لازم شد دعوت خواهند کرد پیشنهاد آقایان معاضد الملک و نجات راجع باصلاح مواد نظامنامه انتخابات که در جلسه قبل قرائت شده بود مجدداً خوانده شد

مخصوصی برای این کار تشکیل شود که کارش منحصر باین باشد و علاوه عرض می کنم که ما باین مواد مخصوصی رادرنظر بگیریم که در آن کمیسیون و در آن ملاحظاتی خود را نموده هر طور حرکت و اصلاحی را صلاح بدانند بنمایند و به مجلس راپورت بدهند

حاج شیخ اسدالله - بنده هم موافقم که هر يك از نمایندگان در مواد دیگر این نظامنامه یا در همین مواد نظریاتی داشته باشند باید حق داشته باشند که در این کمیسیون حاضر شده نظریات خودشان را در آن خصوص بگویند

رئیس - این عمومی است که هر يك از نمایندگان که نظریاتی داشته باشند می توانند در این کمیسیون حاضر شده نظریات خودشان را بگویند

معاضد الملک - بنده هم در ابتدا يك کمیسیونی مخصوص پیشنهاد کرده بودم ولی نظریاتی که کمیسیون داخله در آن نظر بکند و بمجلس پیشنهاد نماید از این جهت پیشنهاد کردم که شش نفر انتخاب شود و با کمیسیون داخله داخل در این مذاکره بشوند ولی از طرف دیگر چون ملاحظه می کنیم می بینیم هر کمیسیونی که عده اش زیاد تر باشد کمتر کار می کند و کمتر نتیجه از آن دیده می شود از این جهت تقاضای کنم که چهار نفر از مجلس انتخاب شود و سه نفر هم کمیسیون داخله از بین اعضای خودش انتخاب نماید که ضمناً هفت نفر بشوند و باین کار رسیدگی نموده راپورت بدهند

شیانی - بنده هم با آقای معاضد الملک همراه و کلم می کنم که این ترتیب خیلی ترتیب خوبی است و کافی است

حاج سید ابراهیم - بنده هم موافقم با آقای معاضد الملک و علاوه عرض می کنم که خوب است از اشخاصی که نظامنامه انتخابات را نوشته اند چون باشکالاتی بر خورده اند و کاملاً اطلاع ندارند يك سه چهار نفری انتخاب بشوند که نظریات و اطلاعات خودشان را در کمیسیون اظهار بدارند

حاج آقا - بنده هم چون اظهار شد که بعضی از آقایان نظریاتی دارند که باید حق داشته باشند در کمیسیون حاضر شده نظریات خودشان را بگویند موافقم با آقای معاضد الملک چهار نفر از مجلس از اشخاصی که در کمیسیون تحریر نظامنامه انتخابات بوده اند و سه نفر از کمیسیون داخله انتخاب شود و این ۷ نفر در این خصوص رسیدگی کرده راپورت بدهند همانطوری که گفته شد سایرین هم باید حق داشته باشند که در آنجا حاضر شده نظریاتی را که دارند اظهار نمایند

حسنعلی خان - بنده عرض میکنم این مسئله انتخابات در همه جای دنیا خیلی خیلی مهم و محل بحث است با بنواسطه بنده هم این مسئله را خیلی اهمیت می دهم و آن پیشنهاد اولی را صحیح تر می دانم و تصور می کنم که يك کمیسیون بدهد ده نفر همانطور که پیشنهاد شده است انتخاب شود که مخصوص این کار باشد و اوقات خودشان را هم مصرف بدارند و چون این کار خیلی اهمیت دارد و چنانچه گفته شد باید اشخاص مناسبی برای این کار انتخاب شود ببقیده بنده بهتر این است که این انتخاب را رجوع کنید بشعبات که هر شعبه بکنفر یاد و نفر از بین خود برای

عزیز پیشنهاد دیگری از آقای معاضد الملک عبارت ذیل خوانده شد:
 « بنده در خصوص عده ای که باید برای جرح و تعدیل قانون انتخاب معین شود اینطور پیشنهاد می کنم که چهار نفر از مجلس و سه نفر کمیسیون داخله از میان خودشان انتخاب نمایند که جمماً هفت نفر شده هم بواسطه کمی عده زود تر این مطلب بگذرد »

رئیس - حالا باید بر این چند فقره پیشنهادی که شده است رای بگیریم - یکی این بود که ده نفر انتخاب شود ولی ترتیب انتخاب را معین نکرده بود که آقای نجات پیشنهاد کرده بودند یکی اینکه آقای معاضد الملک پیشنهاد کردند که شش نفر از مجلس انتخاب شود با کمیسیون داخله در این خصوص رسیدگی نمایند یکی هم پیشنهاد آقای فهم الملک است که ۱۲ نفر از شعب انتخاب شود یکی دیگر هم پیشنهاد ثانی آقای معاضد الملک است چهار نفر از مجلس یا سه نفر از کمیسیون داخله که جمماً هفت نفر می شود انتخاب شود در این خصوص رسیدگی کرده راپورت بدهند حالا باید در هر يك از این پیشنهاد ها رای بگیریم اول رای می گیریم در پیشنهاد آقای نجات که ده نفر انتخاب شوند

نجات - بنده هم دوازده نفر پیشنهاد میکنم که از شعب انتخاب شود

رئیس - پس رای میگیریم در پیشنهاد آقای فهم الملک که دوازده نفر از شعب کسانی که موافقتند با این پیشنهاد قیام نمایند (قلب قیام کردند و تصویب شد)

رئیس - پیشنهادی کرده بودند آقای ارباب که بخسرو در خصوص اینکه يك نفر انتخاب شود از برای اینکه لوایح تشکر بیه آقایان را ببرند بعبتات حالا در این خصوص نظریاتی را که دارند بفرمائید

حاج سید ابراهیم - بنده در این خصوص پیشنهادی کرده ام که حالا قرائت میشود عقیده بنده این است که چون این مطلب خیلی دیر شده است بکنفر از هیئت رئیسه و بکنفر از مجلس برای بردن این لوایح انتخاب شود و همینطور پیشنهاد کرده ام

آقا سید حسین اردبیلی - عقیده بنده این است که همانطوری که آقای حاج میرزا رضا خان در جلسه گذشته پیشنهاد کردند بتوسط کارپرداز بنده

که تعیین شده است فرستاده شود بهتر است چون این مأمور رسمی دولتی است و یک مخارج علیحده هم برای اینکار تعیین نخواهد شد و اگر از برای اینکار یک نفر فرستاده شود یکوقت مخارج و مقرری خواهد داشت باینکه چه توسط یک نفر علیحده و چه توسط این مأمور فرستاده شود در هر صورت مقصود بعمل می آید ولی عرض بنده این است که از این راه باریک مخارج فوق العاده برای دولت فراهم نشود و خود حضرات آیة الله هم گمان میکنند که توسط مأمور رسمی دولتی که بدون یک مخارج علیحده تقدیم شود بهتر تصویب نمایند.

حاج آقا - بنده میخوام متذکر بشوم خاطر آقایان را که امروز میخوانند یک امر مهمی را اقدام نمایند و یک حق شناسی را اظهار نمایند نسبت به کسانی که زحمات و خدمات آنها عالم اسلام و اسلامیت و بهام حیات ایران بزرگترین خدمتی است که در تاریخ نوشته و ضبط شده است و باید در مقابل این خدمت بزرگ تشکری که اظهار میشود باید از طرف هیئت مجلس شورای ملی و میان ملت باشد که احساسات ملی تقدیم شده باشد بدیهی است که یک همچو تشکری که از طرف مجلس شورای ملی بحضرات آیات الله تقدیم میشود نباید یک نفری که نوکر وزارت خارجه است (گفتند نوکر دولت است نه وزارت خارجه) و مأمور است بمراقب و در حقیقت نوکر دولت حامل یک همچو احساسات ملی باشد (در این موقع از طرف جمعی اظهار مخالفت شد) هر کسی حرف دارد بعد از آنکه حرف من تمام شد برمیخیزد میرود آنجا و حرف خودش را میگوید عجب نظم را ملاحظه میکنند بنده عرض میکنم همانطوریکه سایر لویایج تشکر که تقدیم شد بسرداران ملی از طرف مجلس شورای ملی و هیئت رئیسه برده شد این لویایج را که احساسات ملی است و از طرف مجلس شورای ملی تقدیم می شود باید توسط یک نفر نمایند که بوکالت ملت شناخته می شود فرستاده و این قسم لویایج را که احساسات ملی و نمایش یک ملت است نمی تواند یک نفر مأمور دولتی که از طرف وزارت خارجه مأمور کارپردازی است شناخته میشود حامل باشد.

وزیر پست - بنده در فرمایش آقای حاج آقا خیلی اسباب تعجب شد چند کلمه عرض کنم می فرمایند نماینده دولت نمی تواند حامل حسابات ملت بشود خیلی عجب است بجهت اینکه نماینده دولت نماینده ملت است حالا ممکن است که یک نفر را از مجلس انتخاب کنید و بفرستید ولی گمان نمی کنم یک نفر نماینده دولت که از طرف دولت بنقله ای مأمور است و در آن نقطه بنمایندگی سلطان یک مملکتی شناخته می شود بنمایند ملت فرق داشته باشد.

رئیس - حالا اگر نظر آقایان باین باشد که از نمایندگان یک نفر برای تقدیم لویایج معین و فرستاده شود البته بهتر است و لکن مأمور دولت البته هم نماینده دولت است و هم نماینده ملت فرقی ندارد.

سلیمان میرزا - اظهارات آقای حاج آقا گویا مال دوره استبداد بوده و به چه وجه ربطی بدوره

مشروطیت و حکومت ملی نداشت بر ای اینکه در دوره مشروطیت و امروزه دولت و ملت دو رسم و دو چیز و دو روحند در یک قالب و دولت هستند که یک معنا دارند و این فرمایشانی را که فرمودند گویا یک تاریخ می خواستند از دوره سلاطین جابره برای ما بفرمایند که همیشه می گفتند ظلمه و ملت و دولت را شخصی می دانستند و ملت را یک هیئت علیحده و به نظر هم بود که ملی الانعزال مردم را صدمه می زدند ولی امروز حکومت ما ملی است و می خواستیم با آقای حاج آقا اعطال کنیم که همانطور که در بین نطق خودشان متقلب شدند و گفتند ملاحظه نظر را باید کرد خوب است خودشان هم ملتت نظم باشند زیر کسی که نظم می خواهد اقل خودش باید داخل در نظم بشود - از این جهت عرض می کنم که خوب است عرایض بنده را گوش بدهند و تأمل کنند - پس حکومت ما امروز یک حکومت ملی است یعنی عموم نماینده از طرف خودشان انتخاب می کنند و آن نماینده هفتی که جمع شدند تشکیل مجلس شورای ملی می دهند و از اکثریت مجلس وزراء انتخاب می شوند و همیشه آن هیئت وزراء نماینده اکثریت مجلس هستند و مجلس نماینده اکثریت ملت است پس بدو واسطه هیئت وزراء نماینده ملت هستند و هر کاری که ملت بخواهد بکنند و احساسات خودش را اظهار بکنند باید توسط آنها بنمایند و این قانون که نوشته می شود نیست مگر آینه که اکثریت مجلس یعنی اکثریت ملت که آرزو و آمال ملت است آن را تصویب می کند و این است که آن قانون را قانون و مطاع و متبع می کند و دولت آن را اجرا می کند یعنی میل نمایندگان را که از طرف عموم ملت بسمت نمایندگی منتخب شده اند و میل آنها میل ملت است مجری می دارند و در واقع آرزو و آمال ملت را اجرا می کنند پس به گمان بنده کاملاً آن فرمایشی را که آقای حاج آقا فرمودند برخلاف منظورشان بود که اگر امروز دیگری از طرف دولت حامل این لویایج باشد برای آقایان آنطوریکه باید رعایت احترامات نشده باشد زیرا که دولت باید این احترامات را معمول بدارد یک نفر نماینده ما هیچ کار دیگری ندارد مگر اینکه در مجلس بنشیند و حسابات و نظریات خودش را که حسابات ملت است در موقع وضع قوانین اظهار بدارد نماینده فقط برای این کار منتخب و مأمور شده است و غیر از این بهر کاری که دست بزند و هر عملی که سواى وظیفه اوست مشغول بشود ولو اینکه بعنوان صدمه زار تومان پول وصول بکند خلاف وظیفه اوست و چون کار خود را نکرده است ملت از او ممنون نخواهد شد و هیچ این عرایض مخالف با موضوع فرمایشات ایشان نخواهد شد محققاً ما باید هر قدر که بتوانیم از آن مقامات عالی خیلی تشکر بکنیم بواسطه اینکه از کمک و همراهی آنها به آزادی خودمان رسیده ایم و هر چه داریم از آنها داریم اول پیش قدمان آزادی این ملت بوده اند آنها سایر سرداران ملت را امر کرده اند که قدم در راه آزادی خواهی گذاشته و آزادی

را از دست آنها می که غاصب آزادی بودند گرفتند و همیشه تا بحال مساعدت و همراهی خودشان را در این خصوص اظهار داشتند و محققاً هر قدر ما بخواهیم در مقابل زحمات و خدمات ایشان تشکر بکنیم و حق شناسی بعمل بیاوریم و لو اینکه تمام اعضاء مجلس بر خیزیم همراه این لویایج برویم گمان می کنیم هنوز آنطوریکه باید و شاید نتوانسته ایم حق خدمات ایشان را ادا کنیم در صورتیکه ملت ما را برای اجرای خیالات مقدس ایشان انتخاب کرده اند و البته راضی هستند که ما مشغول وظایف خودمان باشیم پس بنده به چه وجه لازم نمی دانم که یک نفر برای این کار از بین نمایندگان انتخاب شود بلکه بهتر می دانم که آن مأمور دولت که از طرف دولت بمأموریت تعیین شده است و شخص محترمی و نماینده ملت و دولت است حامل این لویایج باشد و بنده و گمان نمی کنم بشود در حق یک همچو مأموری اینطور نوهی آیم اظهار کرد که یک نفر نوکر وزارت خارجه برای اینکه یک نفر مأمور دولت که از طرف وزارت خارجه بیک نقطه میرود در آن نقطه حکم ملت و دولت را دارد و نماینده سلطان مملکت است و از جانب هیئت ملت و هیئت دولت و سلطان مملکت در آن نقطه نماینده است برای اینکه سفیر یا کارپرداز حکم دولت یک مملکتی را دارد از او محترم تر در خارج شما کسی را پیدا می کنید بلکه می خواهم عرض کنم وقتی که سفیر حامل این لویایج باشد خیلی بهتر از آن است که یک نفر از افراد ما باشد که هیچ سمت و رسمیتی نداریم و بالاخره بنده بنامه مخالف هستم با بیانات آقای حاجی آقا و تأیید میکنم پیشنهاد آقای حاج میرزا رضا خان را که توسط همان مأموری که بکارپردازی بغداد میرود فرستاده شود علاوه بر این یک نکته را می خواستم عرض کنم که ما از برای اینکه عده کافی بشود برای مذاکرات و اخذ رأی همیشه گرفتار هستیم زیرا که آقایان ده تا ده تا یا مرخصند یا بی رضند یا تشریف نمی آورند در نظامنامه هم که چیزی در این باب تعیین نشده است که رفع اشکال بشود در نظامنامه داخلی مجلس سابق یک همچو چیزی داشت که اگر یک نفر در دوره جلسه متوالی بدون عذر حاضر نشد منفصل است ولی در این دوره چون یک همچو ماده را نداریم یک نفر نماینده میتواند تا آخر دوره تقنینیه حاضر نشود و بوکالت خودش هم باقی باشد آنوقت اگر یک نفر یادآور فراموشی برای این کار تعیین کنیم و بفرستیم بقرینه بنده یک کاری را اقدام کرده ایم که هیچ از وظیفه ما نبوده است و اگر توسط مأمور دولتی فرستاده میشد خیلی بهتر می بود و آنوقت اگر تا بحال یک ساعت معطل میشدیم برای اینکه عده کافی شود و زنک بزنند بعد از این دو ساعت دیگر هم معطل شویم تا اینکه زنک بزنند و عده کافی شود و کار اصلی خودمان بکلی از دست برود و چنان که عرض کردم گویا آقایان هم راضی و متوقع نباشند که ما آنچه وظایف و تکالیف ما است بکنند و برویم عقب یک کاری که هیچ راجع بوظایف ما نیست.

حاج آقا - بنده در عرایض خود توضیحی دارم اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا - شاهزاده سلیمان میرزا یک شرح مفصلي بیان کردند که هیئت دولت نماینده ملت است از آن نقطه نظری که شاهزاده سلیمان میرزا دارند این یک مطلب خیلی سهل و ساده است و بفرمایش حاج سید ابراهیم آقا قل و معقول نیست که مشکل باشد خیلی مطلب سهل و آسانی است و تمام مردم میدانند که در سلطنت ملی هیئت دولت و ملت یکی است از این نقطه نظر بیانات ایشان صحیح است ولی بنده عرض کردم و باز هم عرض میکنم که همان نقطه نظری که در سلطنت ساده که او ادعا کرد و کلا و نمایندگان ملت را که آن لویایج تشکری که سایر سرداران ملی داده شده از طرف هیئت رئیسه مجلس باشد همان طبیعت و همان نقطه نظر ما را او ادعا میکند که یک نفر از مجلس این لویایج را تقدیم نماید برای اینکه این لویایج از طرف هیئت دولت که فرستاده میشود این از طرف هیئت دولت است و احساسات ملی که بحضرات آیات الله تقدیم میشود و چطور بود که لویایج تشکری که برای سرداران ملی فرستاده میشود از طرف مجلس حامل آن یکی از هیئت رئیسه مجلس بود پس همانطور هم باید این لویایج تشکر که از طرف مجلس شورای ملی فرستاده میشود از طرف مجلس و حامل آن از هیئت رئیسه مجلس باشد و اما در خصوص اینکه فرمودند که چون لویایج تشکری که برای سرداران ملی فرستاده شد از هیئت رئیسه حامل آن بودند این را هم از هیئت رئیسه باید حامل آن باشند این را بنده هیچ خبر ندارم که آن لویایج را یک نفر از نمایندگان یا از هیئت رئیسه برده باشند شاید در آن موقع که آن لویایج را برده اند یک جماعتی رفته باشند برای تبریک باینکه شاید این هم مثل همان اکاذیبی باشد که در روزنامه (برق) یا سایر جراید مینویسند که هیئت رئیسه رفتند بسفارت عثمانی و از این اشتهارات بی اصل باشد و الا ما نه از دویمی و نه از اولی از هیچ کدام آنها خبر نداریم معذالك کار هیچ بهم نیست ندارد تمام چیزها تابع اکثریت مجلس است هر طور تصویب کرد همان است.

رئیس - چند فقره در این خصوص پیشنهاد شده است هیئت وزراء هم تقاضای جلسه خصوصی کرده اند بعضی سئوالات هم آقایان و کلا دارند علاوه بر این این مسئله را هم مثل قوانینی که پیشنهاد به مجلس میشود که شور در آن بشود بقرینه بنده بهتر است حالا آن پیشنهادها را میخوانیم و ختم مذاکرات را برای جلسه دیگر میگذاریم (در این موقع چند فقره پیشنهاد به عیادت ذیل از طرف نمایندگان قرائت شد)

۱ - از آقای حاج سید ابراهیم

« این بنده پیشنهاد میکنم که برای بردن لویایج تشکر به عیادت هیات یک نفر از هیئت رئیسه و یک نفر از مجلس انتخاب شود »

۲ - از طرف حاج محمد صادق علی زاده

« بنده پیشنهاد میکنم که قطعه لوحه تشکر که از طرف مجلس شورای ملی بحضرات آیات الله خراسانی و مازندرانی تقدیم میشود توسط کارپرداز

جدید بغداد که همین روزها از عراق عرب هستند فرستاده شود و اگر بتوسط این شخص یک مأمور رسمی دولتی است فرستاده نشود و اکثریت مجلس لازم بدانند که بتوسط یکی از نمایندگان ارسال شود بنده با کمال افتخار و ادب طلب هستم که بدون اینکه مصارف مخصوصی برای این مسافرت بمجلس مقدس تحمیل شود با مخارج شخصی خود حامل این لوحه ها ها بوده تقدیم پیشگاه مقدس روحانی نمایم.

۳ - از آقای نیر السلطان

« این بنده پیشنهاد می نمایم لویایج تشکر بتوسط جناب مستطاب ملازلا سلام آقای شیخ محمد تقی آیت الله زاده طهرانی تقدیم حضور حضرات آیات الله شود »

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا هم همین طور پیشنهاد کرده اند حالا دیگر در این خصوص مذاکره نکرده رای در این خصوص را از برای جلسه آتی میگذاریم - آقای ادیب التجار سئوالاتی داشتند از وزیر امور خارجه بفرمائید.

ادیب التجار - اولاً عرض میکنم اگر سئوالات بنده از آن قرار عرفی مجلس دو کلمه زیاد تر شد نکونند از حدود سئوالات تجاوز شده است از حضور حضرت رئیس اجازه می خواهم در عرایض خود از آن روزیکه و کلا جمع شدند و از آن مدت که کمیسیون فوق العاده تشکیل شد و بعد که بقیه نمایندگان آمدند و مجلس شورای ملی تاسیس شد وزرا معین شدند ما منتظر بودیم وزرا که واسطه اند بین این ملت و سایرین چه اقدامی در خصوص اخراج قشون روس میکنند و از آن ساعت که علاء السلطنه وزیر امور خارجه بود و کلا همیشه تا کیدات میکردند که وزارت امور خارجه در خصوص اخراج قشون روس اقدامات نماید تا یکروز غروبی بود که علاء السلطنه تشریف آوردند در کمیسیون خارجه در حضور بعضی از و کلا حاضر گفتند که تلگراف از بطرز یورغ رسیده است که قشون روس بزودی حرکت میکنند بعد از آن دیگر هر چه منتظر شدیم نتیجه ای ندیدیم تا اینکه تبدیل وزارت امور خارجه شد و بعد از آن هم هر چه آقایان و کلاه سئوالات سخت کردند در خصوص اقدامات وزارت امور خارجه که چه اقدام کرده اند و نتیجه اقداماتشان چه شده و آنچه هم اظهار اتحاد بین دولتین را کردیم و اظهار مساعدت هم شنیدیم و اقدامات خودشان فرمودند نتیجه ندیدیم جز اینکه در روزنامه جات خوانده میشود و از قزوین هم نوشته بودند که تازه کمی بر عده قشون افزوده اند در صورتیکه امنیت کامل در این مملکت هست و یکشامی از مال تیمه خارجه با جان آنها با ناموس آنها در معرض تلف نیست اقدامات دولت را دیده ایم و می بینیم که تمام هم آنها مصروف استقرار امنیت بوده هست و اقدامات وزیر امور خارجه را هم مکرر در این مجلس شورای ملی شنیده ایم لکن در بعضی مراکز شنیده میشود که استمداد آنها را یاد شده نمایان اصل دارد باخیر شنیده میشود که در کنار دریای بحر خزر از قبیل دره جزو غیر تجدید شده است و زیاد شده است همینطور هم در قزوین نمایان اصل دارد باخیر حالا از وزیر امور خارجه یک درجه بالاتر از سئوالات می

که این اقدامات مجدانه شما با آن وعده‌های دولت روس چه نتیجه دارد ماجواب ملت را چه بگوئیم بچه جهت متوقع باشیم که دولت روس قشون خودش را زیاد کند در اطراف ایران .

وزیر امور خارجه - بنده باین سئوالیکه در حقیقت نیچه استیضاحی بود همراه حتی اینکه بالاتر از اینهم عرض میکنم که ایشان گفتند با اظهارات دوستانه ایشان چند نتیجه داده بنده میگویم اظهارات ایشان هم دوستانه نبود وعده های صریح و تعهدات صریحی بود که تمام دول عالم کرده اند اینهم که اظهاری شد که بر عهده قشون خودشان افزوده اند در ایران بنده گمان میکنم که نیفزوده باشند آنچه وارد میشود البته راپورتهاش بوکلای محترم میرسد لکن آنها که خارج میشوند یا نمی شنویم یا میشنویم و اظهار نمی کنیم معلوم است عده قشونیکه در یکجائی هست دائمی نمیتوانند بمانند یک عده میروند یک عده می آیند و متصل در تغییر و تبدیل هستند و گمان نمیکنم که عده شان در تزیاید باشد و اگر عده ای آمده باشند و افزوده باشند تغییر و تبدیل شده است و یقیناً اگر هم زیاد شده باشد قطعاً خواهند رفت و در خصوص اقدامات وزارت امور خارجه همینطور که آقا گفتند اقدام خیلی کرده ایم ولی اعتراف میکنم که بدبختانه اقدامات ما متمرثی نبوده است یا اگر متمرثی نبوده است آن تعریفی که ما میخواستیم که رفتن کلیه قشون نبوده است حاصل نشده است باز نمیتوانم عرض بکنم که متمرثی نبوده است منتهی این است که حالا حاجت نیست تمرش را عرض کنم ولیکن در این موقع برای اینکه مخصوصاً اقدامات جدیدی شود در مجلس اظهار شود یک کمیسیون تشکیل شده است و یکی دو جلسه نشسته اند ولی بدبختانه نمیدانم که قصور از وزیر است یا از و کلا است و آنطور که بنده میخواستم آن کمیسیون هم روزی بنشینند در این خصوص مذاکره شود و نتیجه مطلوبه آن حاصل شود تا بحال آنطوریکه لازم بوده است آن نکرده است و تقاضا میکنم که بعد از ختم همین مجلس اعضاء آن کمیسیون جمع شوند در همین خصوص که اظهار فرمودند بعضی مذاکرات است که بنده باید عرض کنم و نتیجه گرفته شود .

رئیس - آقای آقا شیخ محمد سئوالی داشتید از وزیر امور خارجه بفرمائید .

آقا شیخ محمد - ۲۳ روز قبل در بحر خزر (دیوت فوند) میگویند قریب سیصد نفر از اتباع ایران که اجیر کمپانی قفقاز مرگوزی بودند و همه ساله در فصل زمستان آنها را میبرند و آنجا مشغول کار میشوند و در (توبایر) روس آنها را مرخص میکردند و دستگانه را بر میچیدند اما سال آنها را تا ۱۳ توبایر نگاه داشته اند و تلاطم دریای آنطرف هم خیلی پرخطر است این است که شب آن کرجی که منزل آنها بوده شکسته است و آن سیصد نفر مشرف بفرق شده اند و از سر شب تا صبح فریاد میکردند بطوریکه تفصیلهایش در روزنامه جات هم هست گویا هفت هشت کشتی از کمپانی در آنجا لنگر انداخته بودند و بداد اینها نرسیده اند و نزدیک صبح چهل نفر از آنها را نجات داده اند و دوست و شصت نفر غرق شده است حالا بحرف در آن نیست که چرا غرق شده است مقصود این است که علاوه بر اینکه تفریط از طرف کمپانی شده و در اول توبایر باید اینها را برگرداند آنها را در اینجا گذاشته و علاوه وقتی که آنها را میبرند چون یک

جای پرخطری است ضمانت میکنند که اگر خطری بجان آنها رسید فلان مبلغ بآنها بدهند و اینها این را داشته اند و کمپانی در واقع این دوست و شصت نفر را غرق کرده است بجهت اینکه کمپانی این دوست و شصت نفر را تا ۱۳ توبایر نگاه داشته است ملاحظه بفرمائید این دوست و شصت نفر انسانند و اینها از روی فقر و فلاکت رفته اند آنجا و از فراری که شنبه ام از طرف قونسولگری حاجی ترخان که تکلیف او بوده است اقدام کنند اقدامی نشده است یا شده است و بنده نمیدانم مقصود این بود که آیا در این خصوص راپورتی از قونسولگری حاجی ترخان رسیده است و در خصوص اینها سئوال و جوابی با کمپانی شده است و میشود یا خیر اگر هم نشده است مقصود بنده این است که در خصوص این دوست و شصت نفر که کمپانی باعث غرق اینها شده است یک اقدامی بشود بلکه از باقی ماندگان اینها یک توجهی بشود .

وزیر امور خارجه - این کشتی که غرق شده است و تلفاتی که شده است منحصر بتمه ایران نیست یک مقداری هم در آن کشتی کارگرهای روسی بوده است دوست نفر کارگر ایرانی بوده و متجاوز از صد نفر کارگرهای تمه روس بوده است و از قرار اطلاعی که داریم اقدامی هم شده است و بدیهی است اگر وزارت امور خارجه هم غفلت کند باز ماندگان کارگرهای روسها از حقوق خودشان غفلت نخواهند کرد پس بدیهی است که در این خصوص از برای اتباع خارجی در حاجی ترخان مطرح مذاکره خواهد شد و بهمینطور از طرف وزارت امور خارجه دستور العمل داده شده است که قونسول حاجی ترخان مراقب باشد که بطوریکه حقوق اتباع روسیه مطالبه شده و دریافت میشود بهمینطور هم حقوق تمه ایران مطالبه و دریافت شود .

آقا شیخ محمد خیابانی - همینقدر باز خواهش میکنم که در این باب یک تأکید شود و چون روسها در آنجا آدم دارند و همه قسم در حق وراث خودشان اقدام میکنند اما این بیچارهها آدم ندارند کسی را ندارند که در حق آنها اقدامی بکنند اقدامی از طرف وزارت امور خارجه بفرمائید که حقوق آنها از بین نرود .

رئیس - آقای معاضد الملک سئوالی داشتید از وزیر جنگ بفرمائید .

معاضد الملک - دو جلسه قبل در خصوص انتظامات حوزه ایالتی فارس از وزیر داخله بنده سئوال کردم و ایشان در خصوص پاره ای اقداماتی خودشان کردند توضیحاتی دادند لکن از اقداماتی که در باره قشون آنجا شده بود اظهاری نشدند معلوماً سئوال میکنم اقداماتی که حضرت والا وزیر جنگ در خصوص قشون فارس فرموده اند بفرمائید چیست دیگر اینکه از قرار مذکور صد نفر را از حکومت کرمانشاهان خواسته است و منتظر آنسوارها است که حرکت نماید آیا از طرف وزارت جنگ مساعدتی با حکومت کرمانشاهان در خصوص سواری که خواسته است شده است یا خیر .

وزیر جنگ - در اینمندی که بنده کمتر مجلس

آدم مشغول انجام امور اردوی فارس بودم بکمبسونی که برای امور فارس معین شده است و بعضی از نمایندگان مسبقاً قرار بود دو هزار برای آنجا بفرستیم حالا آنچه را که تعیین شده است و امروز در حرکت هستند و حرکت کرده اند ۲۸۰ نفر است که حرکت کرده اند شاید هم پنجاه نفر بالاتر باشد به تفصیلی که عرض میکنم سه عراده توپ که دوتای آنها هفت سانتیمتری است و یک عراده توپ ما کزیم و صد نفر توپچی با آن توپها سه نفر صاحب منصب خیلی لایق هست که یکی از آنها رحمت الله خان است از متعلمین اطریش است که خیلی آدم پر دل کار کرده ای است در لرستان و جاهای دیگر هم بمأموریت رفته است بنده او را رئیس معین کرده ام هزار نفر سرباز همدانی است که دوفوج است که فوجی سیصد و هفتاد و هشتاد نفر است ولی برای اینکه آن عددی که از آن کمتر نیست بگویم میگویم هزار نفر سرباز همدانی است هزار نفر هم فوج قزوین است که خودم تمام آنها را یک نفر یک نفر سان دیده ام آنچه از اینها حقوق گرفته و حرکت کرده اند چهارصد و هفتاد نفر است و بقیه آنها هم همینطور پی در پی وارد میشوند و اردو در قم است و اینها هم بزودی وارد و ملحق میشوند اینها که حرکت کردند و وارد و رسیدند آنوقت دو هزار سرباز خواهد بود و یکصد و هفتاد نفر سوار ایلاتو که دوست نفر خیر کرده بودم یکصد و هفتاد نفر آنها رسیده بود سان دیده و حرکت کردند و چهل و پنج نفر سوار شاهسون افشار است که آنها حرکت کردند عجلتاً چیزی را که سان دیده ایم و حقوق بآنها داده شده و تمام لوازمشان داده شده است که هزار و هشتصد نفر مسلمی است که اینها از هر طرف یعنی آنها از همدان حرکت کرده اند و اینها هم گمان میکنم امروز وارد قم شده باشند و خیلی زود هم از قم حرکت می کنند میروند باصفهان و از آنجا فوج جلالی را بر داشته میروند بفارس حالا اجازه میخواهم که سایر اقدامات را اجمالاً عرض کنم که مسبقاً باشند که توپ کوهستانی با تمام لوازم برای خراسان فرستاده شده است و در سبزوار رسیده بصاحب اختیار و او هم تلگراف تشکری کرده بود که خیلی بموقع رسید، از برای آن مسئله دره جزو غیره یک عراده توپ کوهستانی با چند نفر سوار برای کرمان فرستادم که آنهم گویا حالا بقم رسیده باشد جلال الدوله هم چاباری حرکت کرد که بآنها برسد یک عراده توپ هم برای ساختن کاشان فرستادیم اینها رفتند و رسیدند دیگر چیزیکه بنده موفق شدم در این دو ماه این است که بودجه قشونی مملکتی را با استخوان بندی قشونی که در هر جا چقدر قشون لازم است یاد هر جائی چقدر قشون ساختن داریم که میزان آن سی و یک هزار میشود یعنی میزان کلیه این قشون این بودجه را امیدوارم که امروز تا فردا صبح بدهم بوزارت مالیه و میتوانم عرض کنم که در این دوره مشروطیت این اول بودجه ای است که بوزارت مالیه رسیده است و گمانم این است که خیلی صحیح است نه اینکه بگویم بطوری صحیح است که قابل تغییر و تبدیل نیست البته باید نظرات نمایندگان هم معلوم شود و همه جور تنقیح باید بشود لکن اینکه ما نوشته ایم یک استخوان بندی صحیحی است که نوشته شده است تا برود بوزارت مالیه در آنجا هم پاره ای نظریات شده به مجلس بیاید و بعضی مطالب و اقدامات دیگر هم هست که خلاصه اش را در مجلس خصوصی عرض خواهم کرد نسبت بسواره ای که حکومت کرمانشاهان

خواسته بود چون کرمانشاه یکی از نقاط سوارخیز دولت است بنده خودم آنجا سه سال خدمت کرده ام می دانم چقدر استعداد لازم دارد ترتیب آنجا چیست شاهزاده رکن الدوله عقیده اش این بود که باید سواره خارجی همراه برد سی نفر سوار فزاق هم آنجا است این کافی است رکن الدوله هم متقاعد شده جالتان این هشتاد نفر سوار خارجی در آنجا هست لکن در آنجا سوار بقدر کافی داریم ولو از اینها راهم همین روزها تعیین میکنیم حرکت کند .

وکیل التجار - بنده اول يك عرض مختصر اساسی دارم عرض میکنم وراجع بعقیده خودم است بنده اساساً تغییر مذهب و وطن فروشی و ناموس فروشی را با تبعیت مساوی می دانم یعنی عقیده شخصی خودم این است و بین اینها تفاوت نمیدهم نه اختصاص بتمه ایران بدهم بلکه از دیگرانهم که تغییر تبعیت بدهند و قبول تبعیت دیگری را می نمایند به عقیده خودم این را ناموس فروشی می دانم و صحیح نمیدانم و بدبختانه در این اواخر در گیلان این اتفاق افتاده است یعنی کم کم کار گیلان و اهالی گیلان و مالکین گیلان این شده است که خودشان را بیک دست آویزی نسبت بخارج می دهند و اغلب دست آویزم ندارند و فقط خودشان را نسبت می دهند بدیگران در صورتی که اغلب قسول گیری روس هم خبر ندارد و این خیلی اسباب زحمت شده است یعنی در امور وقتی که طرف احتیاج و مذاکرات واقع می شوند و از طرف حکومت یا سایر ادارات يك مأموری می رود که آنها را در حکومت با سایر ادارات حاضر کنند جواب میگویند که مارعیست یا مستاجر فلان آدم هستیم که او تمه روس است و تا امروز با اینکه مکرر اظهار شده است يك اقدام جدی در این باب نشده است که جلو گیری بشود و همه آقایان می دانند که ادارات رسمی دولت اغلب بواسطه این مسئله معطل است عدم پیشرفت احکام عدلیه مالبه بلدی و غیره و غیره تمام راجع به همین مسئله است بجهت اینکه محتاج می شوند که بفرستند عقب یکی بعضی شکایت دارند عارض میشوند دفتگو دارند آنها حاضر نمیشوند بلدی بعضی عوارض را می خواهد بگیرد و آنها نمی دهند این خیلی اسباب اختلال امور گیلان شده است و خیلی صریح است قوانین بین المللی در خصوص تبعیت گذشته از آن قوانین در ماهدات بین دولت روس و ایران در آنجا هم صریح است که تادولت ایران تصریح نکند و اجازه ندهد تمه ایران نمی تواند قبول تبعیت خارج را بنماید و برای اطلاع وزیر امور خارجه عرض می کنم از قرار چیزی که بخود بنده نوشته بودند و مستقیماً و صحیحاً رسیده است یکی از اشخاصی که در اداره تذکره باد کوبه بوده است و هر چه تذکره نقلی داده شده است در این دو سه ساله که بنده تمام را خوب می دانم میشناسم و خود جناب وزیر و سایرین هم همه میدانند و می شناسند بتوسط این شخص داده شده است از طرف خود دولت روس بجرم اینکه تذکره نقلی داده است گرفتار شده است و این ایام تحت استنطاق بوده و ظاهرأ (سیبیر) برای او معین شده است حالا می خواستم بدانم تا حال در این خصوص چه اقدامی شده است چون این دیگر يك امر فوق العاده

نیست که محتاج به بعضی اقدامات باشد و منوط بر رفتن قشون روس باشد و بعضی اسبابها لازم داشته باشد گویا آنقدر زحمت نداشته باشد اگر مأمورین ما کار بکنند و دنبال بکنند نتیجه حاصل میشود بعد از این مطلب می خواستم عرض بکنم در خصوص این عملیات غرق شده که آقای آقا شیخ محمد فرمودند بنده خوب اطلاع دارم چون اینها از دو هزار الی دوهزار و سیصد منات بیمه هستند که اگر ضرر جانی باینها وارد شد باید کمپانی این مبلغ را بپوراث آنها بدهد و در این موقع که دو پست نفر اتباع ایران تلف شده اند فقط خاطر وزیر امور خارجه را منعطف می کنم باینکه ملتفت باشند که مبادا مامور خودشان در اینجا اسباب تضییع حقوق آنها بشود و اگر از برای هر يك از آنها اقلاً پول بیمه شان نفی هزار منات باشد دو پست هزار منات میشود باید از وزارت امور خارجه تا کیدی بمأمور آنجا بشود که مؤکداً و جداً مطالبه پول آنها را بنماید و استدعا میکنم دفعه دیگر هم نفرمائید که در آنجا تمه روس هم بدهد اگر از طرف ما اقدام نشود از طرف خود روسها در خصوص تمه خودشان اقدام خواهند شد آنها برای خودشان اقدام میکنند دخلی بمانند (در این موقع سایر وزرا وارد شدند) .

وزیر امور خارجه - در يك مسئله ای که کراراً اینجا مذاکره شده است همین مسئله است که اشخاص متشبه شده اند بتبعیت خارجی از طرف وزارت امور خارجه این مطلب مطرح شده است و امیدوار هستیم بطوریکه شما اظهار کردید يك شخصی که در خارجه تذکره ها را می داده و می فروخته است و می ساخته است دستگیر شده است رسیدگی کامل بشود وزارت امور خارجه هم اطلاع داشت حتی اینکه دوسه نفر از اعیان رشت خبر رسیده است که بطور تقاب خود را تابع روس کرده اند و تحصیل تذکره کرده اند که اسامیشان را حالا نمی خواهم ذکر بکنم همین قدر رفع این اختلافاتی که هست بشود و قشون روس هم از اینجا خارج بشود امیدوار هستیم که همه جور دولت روس هم باما مساعدت خواهد کرد که خیلی از کارها مان که در همسایگی با آنها داریم مساعدت نمایند اصلاح شود یکی هم مسئله همین اشخاص است که پاسیرت های آنها را بدولت داده اند که پاسیرت های جعلی بدست آورده اند و در اینخصوص کراراً وزیر مختار روس ببنده قول داده است که اقدام رسمی بکنند در اینکه آن اشخاصی که تمه جعلی روس هستند یا بشرد های خودشان را باطل نمایند اما این مسئله که فرمودند من گفتم اتباع روس در حاجی ترخان اقدامات خواهند کرد بنده همچه نگفتم بنده گفتم در اینجا این مسئله مطرح خواهد شد و اتباع روس حقوق خودشان را مطالبه خواهند کرد مأمور وزارت خارجه هم اقدام خواهد کرد و حقوق وراث آنها مطالبه خواهد شد و اینکه شما اشاره کردید ممکن است فونسل حاجی ترخان جیب خودش را پر پول کند و حقوق آنها را بامال کند اگر چه اعتماد به مأمورین وزارت خارجه هست ولیکن بعقیده بنده در این امر يك دقتی خاص لازم است بشود باین جهت گمان میکنم شاید بهتر این باشد که دو نفر از اینجا مامور مخصوص بفرستیم که به راهی فونسل

حفظ حقوق اتباع ما کاملاً بعمل آمده حقوق وراث آنها را مطالبه نمایند .

رئیس - دستور جلسه آتی شور ثانی در قانون دیوان محاسبات و بقیه دستور امروز حالا جلسه خصوصی است .

(مجلس مقارن مغرب خصوصی شد)

جلسه ۱۹۰

صورت مذاکرات روز سه شنبه

۱۷ ذی حجة الحرام ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب برپاست آقای ذکاء الملك منعقد گردید .

صورت جلسه قبل را آقای معاضد الملك قرائت کردند .

اسامی غائبین جلسه قبل : آقایان اسدالله خان کردستانی - سردار اسعد ده خدا (بدون اجازه غائب بودند) آقایان آقا سید محمد رضا - مستشار - الدوله - ممتاز الدوله - بهجت - حاج شیخ اسدالله - یوسف خان میرزا یانس (بموقع حاضر نشده اند) آقایان حاج میرزا زین العابدین قمی - حاج محمد کریم خان قشقائی مریم بودند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

ارباب کیخسرو - بنده اولاً چنانچه سابق

هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم که اینصورت خیلی مشروح است و اینوقت مجلس را خیلی ضایع می کند و اگر چنین باشد گمان میکنم تند نویس لازم نداریم و آنچه در نطق وزیر جنک نوشته شده است تقریباً عین کلمات او است که نوشته اند و این لازم نیست میبایست خلاصه او نوشته شود ثانیاً این که در مسئله تغییر تبعیت راجع بعضی گیلانیها در صورت مجلس لفظ اغلب نوشته شده است و حال اینکه چنین چیزی گفته نشد این بود که يك عده معینی بوده است مطلب دیگر که میخواستیم عرض بکنم که غالب از اوقات هنگام تعیین دستور رئیس می فرمایند دستور جلسه آتی بقیه دستور سابق و حال آنکه ما می بینیم خیلی چیزها در دستور آمده است و بکلی مسکوت عنه مانده است که بنده بعضی از آنها را یاد داشت کرده ام و استدها می کنم ببنده در خصوص اینها جواب مرحمت فرمائید که آیا يك عیبی در آنها بوده است که نباید جزء دستور شود یا قابل این نبوده که در روزنامه جات مطالبه می کنند بدانند که چه عیب در آنها بوده که جزء دستور نیامده است و الا نمی شود يك وقتی را مجلس صرف کند و هیچ معلوم نشود که چه شد مثلاً مسئله طلاشوئی معین شد و معلوم نشد چه شد و در باب مهاجرین بلوچ و در باب تجزیه بلوچ و راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه حامد الملك و هم چنین در باب ورثه مرحوم حسام - الاسلام و راپورت امرنان اینها چیزهایی است که جزء دستور آمده است و معلوم نیست چه شده است و نمی دانیم چه همت پیدا کرده که در آنها مذاکره نشده است یا اینها را نباید عنوان کرد و